

نوشته : دکتر محمد آشوری

بختی پیرامون توقیف احتیاطی

نار یخچه

توقیف احتیاطی یعنی بازداشت متهم در تمام یا قسمتی از مرحله بازپرسی یعنی قبل از آن که به موجب حکم دادگاه محکوم گردیده باشد ، یکی از مسائل مهم و بگرنجی است که پیوسته توجه قانونگذاران - قضات و بخصوص علمای حقوق را به خود جلب نموده است .

بگفته اولپین^۱ در حقوق رم سپردن متهم به اشخاص معتبر یا به قضات یکی از شهرهای دجاور یا به سر بازان ، در صورتیکه متهم واجد شخصیت اجتماعی می بود ، و بالاخره تعهد خود متهم مبنی بر حضور در جلسه دادرسی کاملاً متداول بوده است^۲ .

بعلاوه آزاد ساختن متهم به قید کفیل نیز نزد رومیان شایع بود :

کوژا - کین تیوس^۳ در اواخر قرن سوم میلادی به اتهام قتل مورد تعقیب واقع می شود . یکی از قضات دستور توقیف او را صادر مینماید تا مردم مطمئن شوند که قاتل به مجازات عماش خواهد رسید . بر اثر اعتراض متهم سایر قضات مداخله کرده پیشنهاد نمودند که متهم با قید کفیل آزاد گردد . تعیین میزان وجه الکفاله به عهده سنا واگذار شد که سرانجام مبلغ آن را سه هزار

1 - Ulpian

2 et 4 - Cf. Garraud, R. Traité théorique et pratique d'instruction criminelle et de procédure pénale. Paris, 1912 t. 1 No38.

3 - Coesa - Quinetius.

د آس، و تعداد کسانی را که می بایست از متهم کفالت نمایند دونفر معین کرد .
بطوریکه ملاحظه می شود در حقوق رم حتی در اتهامات مهم که در حقوق جزای
مدرن به جنایت از آن تعبیری می شود سعی بر آن بوده که از توقیف متهم قبل از محاکمه جلوگیری
شود .

در حقوق اسلامی از آنجائیکه زندان جز در موارد استثنایی وسیله اجرای حکم نبوده
توقیف متهم امری استثنائی تلقی گردیده و در صورت اخیر نیز توقیفگاه بایستی آنچنان باشد که
متهم بتواند در آن به آسانی قادر به انجام فرایض دینی خود باشد .
برعکس در اروپای قرون وسطی با کاهش یافتن قدرت دادگاههای مذهبی و بالنتیجه رواج
سیستم تقمیشی، توقیف با آزادی متهم به اختیار قاضی واگذار شده بود و با توجه به این مطلب اساسی
که اقرار و ملکه دلایل محسوب می گشت، توقیف متهم به منظور اعمال شکنجه و اخذ اقرار
امری کاملاً عادی بود .

در موارد استثنائی نیز که متهم به قید کفیل آزادی می شد نه تنها اموال کفیل پاسخگوی عدم
حضور متهم در جلسه دادرسی و با اجرای حکم بود، بلکه خود وی نیز در صورت استنکاف از معرفی
متهم ممکن بود به مجازات جرم موضوع اتهام برسد .

قبل از انقلاب کبیر فرانسه نیز به موجب فرامین کیفری سالهای ۱۵۳۹ و ۱۶۷۰ در
مرحله بازپرسی، اصل بر توقیف متهم بود و آزادی وی امری استثنائی تلقی میشد . انقلاب کبیر
فرانسه چنین شدت عملی را از میان برداشت . و همانطور که میدانیم تحت تاثیر افکار و نظریات
ولتر و بخصوص منتسکیو از سال ۱۷۹۱ و برای مدت کوتاهی طریقه اتهامی در فرانسه به پیروی
از حقوق انگلیس جایگزین طریقه تقمیشی شد . این سیستم که هیئت منصفه اتهامی^۲،
بوجود آورد و با قدرت فراوان از منافع و آزادی متهم در مقابل بازپرس دفاع مینمود

۱ - برای کسب اطلاع بیشتر در خصوص بازداشت موقت در حقوق رم مراجعه شود به

Johnsen, La détention préventive en droit romain. thèse, Aix en Provence 1959.

ضمناً توقیف احتیاطی زنان در حقوق رم ممنوع بوده و در صورت لزوم متهم را به سایر
زنانیکه قادر به حفاظت از او بودند یا به صومعه ای می سپردند .

2 - Dr. Moustafa, Mahmoud. La protection de la liberté individuelle durant l'instruction. Rev. Int de droit pénal. 1953. P. 187.

3 - Jury d'accusation

برای توضیح بیشتر در زمینه تاریخ حقوق فرانسه مخصوصاً مراجعه شود به :

Esmein, Histoire de la procédure criminelle en France .
Paris, 1882.

بعداً به علت پیدایش حکومت قدرت طلب ناپلئون جای خود را در مرحله بازپرسی مجدداً به سیستم تفتیشی، واگذار کرد. لذا قانون آئین دادرسی کیفری ۱۸۰۸ فرانسه از قوانین قبل از انقلاب نیز پادرا فرا تر نهاد. در این روش جدید توقیف متهم تنها به اختیار بازپرس واگذار شده بود بلکه وی مجبور بود که در کلیه اتهامات، اعم از جنحه یا جنایت قرار توقیف متهم را صادر نماید. قاضی تحقیق میتواند متهم را پس از صدور قرار توقیف فقط در امور جنحه، آنهم مشروط به آنکه او ولگرد یا سابقه دار نمیباشد باخذ وثیقه آزاد نماید.

قانون مذکور که در طی يك قرن و نیم اخیر بکرات و بخصوص در سالهای ۱۸۴۸ و ۱۸۶۵ و ۱۹۳۳ و ۱۹۵۸ مورد تجدید نظر قرار گرفته الهام بخش قانونگذاران سوئیس - بلژیکی لوکزامبورگی - ایرانی (مواد ۱۲۹ بهمدق. آ. د. ک) بوده اخیراً به موجب قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ که هدفش تضمین و تحکیم هر چه بیشتر آزادیهای فردی است مورد تغییرات کلی اساسی قرار گرفته است.

از آنجائیکه این قانون (۱۹۷۰) پیشرفته ترین قوانین اروپائی در خصوص بازداشت موقت می باشد و بخصوص که قانونگذار فرانسوی سعی در انطباق مواد آن با «قرار داد اروپائی حقوق بشر» داشته است، از مطالعه قوانین سایر کشورهای اروپائی در این زمینه خودداری نموده پس از طرح مسئله و بحث مختصر پیرامون عقاید موافقین و مخالفین بازداشت موقت به بررسی اجمالی برخی از مواد قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ که تحول مهمی در آئین دادرسی کیفری فرانسه در مرحله بازپرسی به عمل آورده است خواهیم پرداخت.

انتقادات وارده بر توقیف احتیاطی

مهمترین ایرادی که بر بازداشت متهمین وارد است مسئله تعارض آن با اصل برائت است. اگر چه برخی از علمای حقوق جزا مانند گاروفالو را عقیده بر آنست که توقیف متهمین در حین بازپرسی به علت آنکه بهتر به کشف حقیقت کمک میکند کاملاً ضروری است، مع الوصف بازداشت مذکور با اصل برائت که در ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ و ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مندرج است و به موجب آن هر يك از افراد جامعه، بایستی قبل از محکومیت از آزادی مطلق برخوردار باشد، مغایرت دارد.

اهمیت اصل برائت که در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای مرقی جهان و حتی اخیراً در قانون آئین دادرسی کیفری جدید کشور چکسلواکی گنجانیده شده آدلف پرنس حقوقدان و بانی مکتب دفاع اجتماعی بلژیکی را بر آن داشته بود که بگوید: «توقیف احتیاطی متهمان را به نتیجه ای نامطلوب هدایت می کند. چه، از یکسو می پذیریم که هنوز با متهم سروکار داریم نه با مجرم؛ و بالنتیجه حق مجازات او را در مرحله بازپرسی نداریم. و از سوی دیگر به بهانه

1 - Garofalo, R. La criminologie. 1890, P. 374 et Ss.

۲ - بند ۲ ماده ۶ قرار داد اروپائی حقوق بشر نیز بنوبه خود مقرر میدارد:

دفاع از جامعه و اجرای صحیح تر عدالت ، قرار بازداشت اورا صادر نموده قبل از ثبوت مجرمیت ، سخت ترین مجازاتها را که فلاکت و بی آبرویی مسلم متهم را به دنبال دارد درباره او اعمال می کنیم .

در اینجا بویژه لازم است یاد آور شویم که بازداشت متهم علاوه بر آنکه مغایر با اصل برائت بوده و به آزادی وی لطمه می زند ممکن است به حق دفاع او نیز زیان وارد آورده و بخصوص در سر نوشت محاکمه مؤثر باشد :

یکی از مستشاران دادگاههای استان پاریس در کنفره عالی قضات فرانسه که در سال ۱۹۶۶ در سن مالو تشکیل شد صریحاً اذعان داشت که: «دیوانعالی جنائی وقتی عنهمی را که در توقیف احتیاطی نبوده محاکمه میکند، در محکوم کردن او تردید می نماید...»^۲

تحقیقاتی که در کشور آمریکا در این زمینه بعمل آمده ثابت میکند که متهمینی که توقیف نمی شوند بطور یقین از گذشت قضات در خصوص تخفیف مجازات و یا از جهت اعطاء تعلیق و حتی تبرئه شدن برخوردارند .^۳

به موجب آمارهای که از حوزه قضائی Manhattan بدست آمده ۰/۶۴ متهمینی که در توقیف احتیاطی بسر برده اند بموجب احکام صادره از دادگاهها محکوم به مجازات زندان شده اند و حال آنکه بیش از ۰/۱۷ کسانیکه بدون بازداشت قبلی به دادگاه حاضر شده اند محکوم نگردیده اند .

تعلیق مجازات فقط به ۰/۵ گروه نخست اعطاء شده، در صورتیکه متهمینی که قبل از محاکمه بازداشت نگردیده اند تا میزان ۰/۳۶ از تعلیق مجازات برخوردار بوده اند.

«هر متهمی قبل از آنکه محکومیتش قانوناً به ثبوت برسد بیگناه تلقی می گردد» . برای آشنائی بیشتر در زمینه اصل برائت مراجعه شود به:

Stefani, G. Levasseur, G. « Procédure pénale ». Dalloz, 1966.

P. 23. N° 25.

بعلاوه مطالعه کتاب La sociologie criminelle اثر Enrico Ferri بخصوص صفحات ۴۹۳ و ۴۹۴ آن برای آشنائی بیشتر به عقاید مکاتب اثباتی در زمینه مخالفت کلی با اصل برائت توصیه میشود.

1- Cité par M. O. Vander Meuleroeke, in «Le contrôle judiciaire et la détention préventive » XII ème journées Franco - Belgeo - Luxembourgeoises, Poitiers le 11 et 12 Déc. 1970.

2- Le Monde. 5-6 Juin 1966.

۳- این مسئله بخصوص از این جهت قابل مطالعه است که در حقوق آمریکا هر متهمی حق دارد با دادن وثیقه لازم آزادی خود را بدست آورد. حتی در این کشور سازمانهای مخصوصی وجود آمده اند که در مقابل اخذ هیلفی از متهم، وجه الضمان را پرداخته و متهم را آزاد میکنند .

خلاصه آنکه از یکسو متهمی که در بازداشت بسر میبرد قادر به جمع آوری دلائل لازم به منظور اثبات بیگناهی خود و ارائه آنها به محضر دادگاه نمی باشد و از سوی دیگر دادگاهها تمام کسانی را که در توقیف احتیاطی بسر برده اند به مجازات زندان محکوم نمی نمایند. آنچه مسلم و حاکمی از استقلال دادگاهها در مقابل مقامات کشف و تعقیب جرم است اینست که عده ای از متهمین به مجازاتی طولانی تر از مدتی که در توقیف بسر برده اند محکوم میگردند. اما در بین کسانی که قبل از محاکمه بازداشت شده اند عده ای نیز یافت می شوند که پس از گذراندن هفته ها و ماهها و گاهی سالها در زندان موقت سرانجام تبرئه گردیده و یا فقط به پرداخت غرامت محکوم شده اند. گاهی نیز محاکم به منظور موجه جلوه دادن توقیف احتیاطی مدت محکومیت را تا میزانی که مجرم در زندان موقت بسر برده است افزایش داده اند.

اما ایراد اساسی دیگری که بر بازداشت موقت متهم وارد است اینست که : نهاد حقوقی مذکور علاوه بر آنکه با اصل برائت مغایرت داشته و احیاناً بحق دفاع نیز لطمه می زند، با توجه به سیاست نوین جزائی با برخی از نهادهای دیگر حقوق جزا همچون «تعلیق» و بخصوص «تعلیق مراقبتی»^۲ که خود از حریمهای مؤثر مبارزه با مجرمیت اند ناسازگار است. آماری که از دو استان «گان» و «کورتزه» بلژیک بدست آمده نشان می دهد که دادگاهها ۱۱۴ تن از ۵۶۰ تن

۱- لزوم توجه بیشتر به مسئله توقیف احتیاطی در کشورهای اروپای غربی و بویژه در فرانسه و بلژیک در سالهای اخیر مرتباً از طرف پارلمان به دولت تذکر داده شده است .
یکی از نمایندگان مجلس بلژیک در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۴ توجه وزیر دادگستری را به این مسئله جلب مینماید که : «دیوانعالی جنائی یکی از شهرها اخیراً متهمی را پس از آنکه یکسال تمام در زندان بسر برده تبرئه نموده است. این چهارمین بار است که در طی دوسه سال اخیر چنین وضعیتی پیش آمد میکند...» در این خصوص مراجعه شود به :

M. Van Wel Kenhuxzen . « La protection des droits des prévenus dans le procès pénal en Belgique. In : Rev. Int. de droit pénal 1966. P. 31 et St.

و نیز به نقل از روزنامه کیهان $\frac{۲۵۷۸}{۵۱۶۲۳}$ - دادوران دیوانعالی جنائی تهران متهم به قتل را که از ۷ سال پیش در زندان بود بیگناه شناخته و حکم بر برائتش دادند .

۲ - منظور از تعلیق مراقبتی Probation اینست که مجرم نه تنها در طول مدتی که مجازات او معلق شده بایستی مرتکب جنحه یا جنایت دیگری نگردد، بلکه موظف است از انجام برخی اعمال از قبیل رفتن به قمارخانه ها یا ملاقات و معاشرت با برخی اشخاص مثل شرکاء و معاوین جرم و غیره خودداری نموده و با اعمال مشخص و معینی را انجام دهد.

متهمینی که در باره آنان قرار توقیف صادر شده - یعنی ۰/۲۰/۳۵ آنان را مشمول تعلیق مجازات نموده اند.^۱

در فرانسه نیز در سال ۱۹۶۷ تعداد ۸۳۴۵ تن از مجرمین یعنی در حدود ۰/۱۴٪ آنان از «تعلیق ساده» استفاده کرده اند و کسانی که بصورت «تعلیق مراقبتی» مجازات آنان اجرا نگردیده در اول دسامبر ۱۹۶۸ کلاً بالغ بر ۱۴۵۴۲ نفر بوده است.^۲

بطوریکه ملاحظه می شود سیاست کیفری نیمه دوم قرن بیستم با توجه به خاصیت جرم زائی زندان تمایل بگسترش موارد تعلیق مجازات و بالنتیجه - جلوگیری از زندانی شدن متهم داشته و مثال بارز آن قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه است که با اصلاح ماده ۷۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری^۳ و صرف نظر کردن از برخی محکومیت های کوتاه مدت قبلی متهم سهی در باز گذاشتن دست قضات در اعطای تعلیق نموده است.

نتیجه آنکه بطور قاطع می توان گفت که تعلیق مجازات متهمینی که قبلاً بازداشت شده اند مطلقاً اثر مطلوبی را که بایستی در بر داشته باشد فاقد است. ترس از زندان خود یکی از عوامل مهمی است که در نزد بسیاری از مجرمین اتفاقی باعث جلوگیری از سقوط مجدد در ورطه مجرمیت و تکرار جرم تواند بود. اما این ترس بر اثر توقیف احتیاطی نه تنها فرو ریخته بلکه متهم در توقیفگاه احتیاطی بر اثر موأنت و مجالست با سایر زندانیان ، با توجه باینکه تقریباً در همه کشورهای هنوز رژیم زندان موقت از زندان اجرای حکم متفاوت نیست خاصیت اصلاح پذیری خود را از دست داده است.

ارزیابی انتقادات وارده بر توقیف احتیاطی

بدون هیچگونه تردید، ایراداتی که مخالفین توقیف احتیاطی بر این تأسیس حقوقی وارد ساخته اند شایان تأمل است. توجه حقوقدانان و قانونگذاران پس از جنگ جهانی دوم و بخصوص در دهه سال اخیر بمسئله بازداشت موقت ناشی از آنست که توقیفگاه احتیاطی از نظر علوم زندانها

1- Mr Versée, « La privation de la liberté dans la procédure pénale Belge » in Rev de droit pénal 1966-67, P, 145 et s.s.

2- G. levasseur, « Les aspects juridiques de la probation en droit Français, 1967 P. 2.

3- ماده ۷۳۴ قانون قبلی مقرر میداشت که دادگاه وقتی میتواند حکم به تعلیق مجازات صادر نماید که مجرم مطلقاً سابقه محکومیت به جنحه یا جنایت نداشته باشد. ماده ۷۳۴ جدید بمنظور حمایت از متهم مقرر میدارد که: سابقه محکومیت به جنحه مشروط به آنکه از دو ماه تجاوز ننماید مانع از تعلیق مجازات نیست.

تقریباً در اکثریت قریب به اتفاق کشورها به سرتاب برای متهمین نامناسبتن از زندانهای اجرای حکم برای محکومین است^۱ :

متهمی که در توقیفگاه احتیاطی بسر می برد از نظر روانی در وضعی بدتر از محکوم قرار دارد. جملاتی از قبیل: «آقای بازپرس پس تکلیف من چه وقت روشن میشود؟» نمونه بارزی از دلهره متهمین در قبایل بلا تکلیفی که در آن بسر می برند تواند بود.

یکی از کتابداران زندانهای آلمان در خاطرات خود می نویسد: «متهمینی که در توقیف احتیاطی بسر می بردند کتابهایی را که از کتابخانه می گرفتند فوراً مسترد می داشتند. معلوم بود که یا آنها را نخوانده اند و یا فقط از نظر گذرانیده اند. چه، دلنگی و اضطراب مانع تمرکز فکری آنان بود و حال آنکه محکومین گاهی تا روز ماقبل آزادیشان کتابها را با خود نگاه می داشتند»^۲.

رژیم زندان هوقت از آن جهت مضر به حال متهم است که علیرغم توصیه های سازمان بهداشت جهانی که: «کار همچون غذا و استراحت ضرورتی حیاتی است»، امکان کار کردن بعلمت معلوم نبودن مدت بازداشت برای متهم موجود نیست. همچنین است نسبت به اعطای آزادی مشروط که محکومین می توانند تحت شرایطی از آن برخوردار باشند. و حال آنکه وضعیت متهم به دلالتی که قبلاً ذکر شد با چنین امتیازی سازگار نیست.

از سوی دیگر، سیستم زندان انفرادی یا سلولی نیز اکثر اوقات در باره متهمین اجرا نمی شود و به فرض آنکه امکان اجرای آن نیز فراهم شود، معلوم نیست آثارش من حیث المجموع برای بسیاری از متهمین بهتر از زندان دستجمعی باشد.

برای تمام کشور فرانسه در سال ۱۹۶۷ تعداد ۱۶۱۹۰ سلول انفرادی وجود داشته و حال آنکه سالیانه قسراً توقیف احتیاطی بیش از ۷۰/۰۰۰ تن متهم، از بازپرسی ها صادر میگردد است^۳.

مع الوصف بایستی توجه کنیم که انتقادات مذکور هر قدر هم وارد باشد نمی توان همه آنها را پذیرفت و مانند عده ای معتقد شد که نهاد توقیف احتیاطی بکلی بایستی از قانون حذف گردد. بازداشت مذکور علاوه بر آنکه در بعضی از موارد تنها وسیله جلوگیری از فرار متهم یا اجزاء آثار جرم و یا تبانی با شرکاء و معاونین و یا شهود قضیه است، در بسیاری از مواقع تنها وسیله حفظ جان متهم و بعبارت دیگر جلوگیری از انتقام جنی علیه و یا کسان و خویشانش تواند بود.

1— Cf. Léauté, J. « Les prisons », Paris, Que Sais - Je ? 1969. P. P. 49 et 50.

2— Cité par J. Carbonnier. « L'instruction criminelle », Paris, 1935. P. 49.

3— Léauté, J. Op. cité, P. 49.

منتها از آنجائیکه بازداشت متهم نقطه تلاقی آزادی فردی و نظم اجتماعی است باید قانونگذار سعی در تلفیق این دو بایکدیگر نماید :

احترام اصل برائت ایجاب میکند که توقیف احتیاطی امری استثنائی باشد و به عبارت دیگر ضرورت توقیف متهم شدیداً و به شرحی که خواهد آمد تحت کنترل درآید .

چگونه میتوان توقیف احتیاطی را کنترل کرد؟

برخی از حقوقدانان را عقیده بر آنست که فقط باقبول «طریقه اتهامی» بجای «طریقه مختلط» بتوان از توقیفهای غیر ضروری جلوگیری بعمل آورد.

بطوریکه می دانیم در طریقه مختلط یا فرانسوی که در بلژیک و سویس و فرانسه و ایران معمول است رسیدگی به دعوی جزائی در دو مرحله انجام می گیرد :

در مرحله نخست تحقیقات مقدماتی یا بازپرسی بصورت تفتیشی - یعنی غیر علنی - غیر تدافعی - و کتبی صورت گرفته و فقط در مرحله ثانوی که همان مرحله رسیدگی نهائی است رسیدگی به صورت اتهامی یعنی شفاهی - علنی و تدافعی انجام می پذیرد.^۱

برعکس، در طریقه اتهامی که در انگلستان و آمریکا متداول است مرحله تحقیقات مقدماتی وجود نداشته و متهم در حضور قضات و هیئت منصفه آزادانه از خود دفاع نموده و از کلیه اقدامات قضائی که از بدو تعقیب بعمل آمده کاملاً مستحضر بوده و بعلاوه بموجب آنچه که در حقوق انگلیس به Habeas Corpus موسوم است ، متهمی که در توقیف بسر می برد و یا کسان و دوستان او ، حق دارند که از یکی از قضات صالح درخواست رسیدگی به قانونی بودن توقیف را بنمایند .

لذا عده ای معتقدند که فقط با حذف مرحله بازپرسی و به عبارت دیگر قبول سیستم اتهامی به صورتی که در انگلستان متداول است بتوان توقیف احتیاطی را کنترل نمود. به نظر آنان از قرن نوزدهم بعید، یعنی از موقعیکه شکنجه متهم بمنظور اخذ اقرار غیر قانونی اعلام گردیده، توقیف متهم بمنظور اخذ اقرار از وی بعمل می آید. بنا بر این بمنظور دفاع از آزادی متهم بایستی خود مرحله بازپرسی در رسیدگیهای جزائی از بین برود تا نیازی به توقیف متهم بمنظور وادار کردن او به اداء توضیحات نباشد.^۲

مع الوصف و با آنکه رویه اتهامی دارای امتیازات فراوان است ، به نظرمانمی توان ادعا کرد که رویه مذکور تمام مشکلات ناشی از توقیف متهم را حل تواند کرد . چه اگر چنین می بود،

1- Cf. Merle, R. et Vitu, A. «Traité de droit criminel». Paris, 1967, P. 87.

2- Mellor, Alec. «Les grands problèmes contemporains de l'instruction criminelle.»

در کشور انگلستان که مهد سیستم اتهامی است بایستی تعداد متهمینی که در بازداشت بسر می‌برند بسیار ناچیز باشد. و حال آنکه طبق آمارهای بدست آمده دوسوم زندانهای انگلستان مملو از متهمینی است که منتظر فرارسیدن روز محاکمه خود هستند^۱.

بعلاوه و به منظور خاتمه دادن به چنین وضع نامنجان و پدید آمدن جای بیشتر در زندانها برای محکومین و تخلیه آنها از وجود متهمین، قانونی در سال ۱۹۶۷ در این کشور به تصویب رسیده که اختیارات قضات را در خصوص بازداشت موقت، محدود، و آنان را مجبور کرده که در موارد عدیدة با اخذ وثیقه متهمین را آزاد نمایند^۲.

از آنچه که گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که صرفاً توسل به سیستم اتهامی قادر به حل مشکل توقیف احتیاطی نیست. ولی آیا میتوان معتقد شد که مبارزه با مشکلات ناشی از بازداشت متهمین غیر ممکن است؟ مسلماً جواب منفی است. به نظر می‌رسد که در صورتیکه قانونگذاران مسئله توقیف احتیاطی را از جهات ذیل مورد مطالعه قرار داده و در رفع نقص قوانین موجود کوشا باشند، از تعداد متهمینی که در بازداشت بسر می‌نهند به نحو بارزی کاسته گردد:

۱ - بهترین راه محدود کردن توقیف احتیاطی آنست که از همان آغاز تعقیب، یعنی از موقعیکه متهم به بازپرسی احضار می‌گردد، از توقیف او تا حد امکان جلوگیری بعمل آید. به عبارت دیگر امروزه تحت تاثیر پیشرفتهای علوم جرم‌شناسی، دیگر توجه به شخصیت مجرم، فقط در مرحله اجرای حکم یا حتی صدور حکم (تعلیق مجازات) دارای اهمیت نبوده؛ بلکه بازپرس بایستی از همان ابتدا شخصیت متهم را مورد توجه قرار داده (ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه) و بالنتیجه از بازداشت وی تا حد امکان خودداری نموده به تعلیق توقیف و جایگزین ساختن آن به وسیله سایر قرارها توسل شود. این مسئله از آن جهت قابل اهمیت است که اگر بخواهیم از خاصیت جرم‌زایی زندانها بکاهیم، بایستی از همان روز نخست از روانه کردن متهم به زندان جلوگیری بعمل آوریم.

۲ - در صورتیکه نتوانیم با صدور سایر قرارها از تعقیف متهم جلوگیری کنیم، و تنها راه جلوگیری از فرار متهم یا اجزاء آثار جرم یا تلبانی باشکاه و معاونین جرم و شهود قضیه و غیره توقیف او باشد، آنوقت لازم است که قانونگذار هم خود را صرف بهبود رژیم توقیفگاه احتیاطی و تفکیک آن از زندان اجراء احکام جزائی نماید.

با توجه به همین مسئله هم است که جان هاوارد که در قرن نوزدهم به مطالعه زندانهای اروپا پرداخت، معتقد شد که بایستی از متهمین در هتلهای درجه سه نگهداری شود، نه در سایر زندانها.

1 - M. et Mme Larguier. "La protection des droits de l'homme." in Rev. Int. de droit pénal. 1966. p. 166 et Ss.

2 - Napley, David. "A Guide to Law & practice. under the Grimineal Justice Acte. 1967" p. 47.

به هر حال امروزه این پیشنهاد تا حدی مورد قبول واقع شده و در برخی از کشورها مانند هلند در موسساتی کاملاً مستقل از زندان از متهمین محافظت بعمل می‌آید .

۳ - در مورد متهمینی که بازپرس نتواند با صدور سایر قرارها از توقیف آنان صرف نظر نماید قانونگذار بایستی سعی در کنترل مدت اقامت آنان در توقیفگاه نموده بازپرس را مکلف نماید که به محض رفع عللی که بازداشت متهم را موجب شده اند وی را آزاد نماید .

با توجه به همین موضوع مهم است که ماده ۶ «قرارداد اروپایی حقوق بشر»^۱ مقرر می‌دارد که «توقیف احتمالی نبایستی از مدتی معقول تجاوز نماید . . . آراء صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر» در دعای معروف^۲ Neumeister و^۳ Stögmüller نشان دهنده این مطلب مهم هستند که تا چه اندازه دیوان مذکور در کنترل «مدت معقول» دقت نظر بکار برده است .

مقارن با امضاء قرار داد اروپایی حقوق بشر مسئله محدود کردن طول مدت توقیف احتمالی در کنگره رم ۱۹۵۰ مورد بحث قرار گرفته و برخی از شرکت کنندگان برای نیل به مقصود فوق‌الذکر پیشنهاد نموده اند که قانونگذار بایستی طول مدت توقیف را در امور جنحه و جنائی محدود نماید . مثلاً مقرر داد که بازپرسی نباید در امور جنحه از ۶ ماه - و در امور جنائی بیش از یکسال بطول انجامد . در غیر این صورت هر متهمی حق دارد که بلافاصله آزاد گردد . این راه حل اگرچه از جهات عدیده بمنفع متهم است و بهترین راه حل محسوب می‌گردد لیکن نقص کارد قضائی تاکنون مانع از تحقق بخشیدن به این مهم در اکثر کشورها شده است . لذا عده‌ای از شرکت کنندگان در کنگره را عقیده بر آن بود که بازپرس مکلف گردد در هر دو کشور یک در کشورهای سوئد و بلژیک متداول است قرارهای توقیف را هفته به هفته و یا ماه به ماه بقدر لزوم تمدید نماید . تمدید قرار بایستی به موجب قرار موجه دیگری بعمل آید تا کنترل مقامات قضائی مافوق را میسر سازد . این راه حل در سال ۱۹۵۸ مورد توجه خاص مقنن فرانسوی قرار گرفت . توضیح آنکه از آن سال تا سال ۱۹۷۰ در فرانسه بازپرس مکلف بود - چه در امور جنحه و چه در امور جنائی - قرار توقیف را هر ۴ ماه تمدید نماید^۴ متأسفانه قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ با آنکه

۱ - این قرارداد در ۴ نوامبر سال ۱۹۵۰ در رم به امضاء رسیده و امروزه بجز فرانسه و سوئیس ۱۷ کشور اروپائی دیگر آن را به تصویب مجالس قانون گذاری خود رسانیده اند .

2 et 3 - Cf - les arrêts du 27 Juin 1968 et du 10 Nov 1969 du la Cour Européenne des droits de l'Homme, Conseil de l'Europe, Strasbourg.

۲ - به موجب آراء صادره از دیوان کشور فرانسه بازپرس مکلف است قبل از آنکه مهلت ۴ ماه به سر آید قرار را تمدید کند . لذا اگر قرار توقیف مثلاً ۱۳ فوریه صادر گردیده بازپرس حداکثر تا ساعت ۲۴ روز ۱۲ ژوئن می‌تواند قرار را تمدید نماید و اگر نه متهم بایستی بلافاصله آزاد گردد .

ابتکارات فراوانی در خصوص بازداشت موقت به عمل آورد الزام بازپرسی به تمدید توقیف احتیاطی و ذکر عللی که به موجب آن متهم بایستی ۴ ماه دیگر در زندان بماند را فقط منحصر به امور جنحه کرده و بنابراین امروزه در فرانسه در امور جنائی دیگر برای بازپرس چنین تکلیفی وجود ندارد. علت این امر آنست که اولاً متهم در امور جنائی نیز هر وقت که بخواهد می تواند آزادی خود را درخواست نماید. و بازپرس موظف است که در صورت مخالفت دلائل خود را موجهاً بیان نماید و در ثانی قانونگذار جدید هم خود را بیشتر صرف حمایت از متهمین در امور جنحه گردانیده و به همین جهت است که پس از صدور قرار مجرمیت از طرف بازپرس متهم را فقط می توان طی شرایطی برای مدت ۴ ماه در زندان نگهداشت، و در صورتی که در مدت مذکور دادگاه به صدور حکم مبادرت نوزد متهم بایستی آزاد گردد. (بند ۴ ماده ۱۷۹)

بطوریکه ملاحظه می شود قانونگذار فرانسوی طول مدت توقیف احتیاطی را فقط در امور جنحه و اتهام پس از ختم بازپرسی تا صدور حکم به چهار ماه محدود نموده و خود را با محدود کردن توقیف در جرمین بازپرسی آشنا نگردانیده است.

۴ - از متهمینی که در بازداشت بوده اند و پس از ختم محاکمه واقعاً گناهکار شناخته نشده اند بایستی جبران خسارت به عمل آید. بحثی نیست که پایان هر دعوی جزائی بایستی اجباراً به محکومیت متهم منجر گردد. چه اگر چنین می بود و کلیتاً متهمینی که قرار مجرمیت در باره آنان صادر می شد محکوم می گردیدند دیگر استقلال محاکم نمی توانست مفهومی داشته باشد. قبلاً اشاره کردیم که چه در ایران و چه در سایر کشورها در موارد عیدیه دادگاهها متهمینی را که ماهها و گاهی سالها در توقیف احتیاطی بسر برده اند تبرئه کرده حکم بر بیگناهی آنان صادر کرده اند؛ حال این مسئله مطرح می گردد که آیا جامعه در قبال این قبیل افراد چه تکلیفی دارد؟ اگر دفاع جامعه ایجاب می کند که دستگاههای قضائی بتوانند از کسانی که قرائن کافی دال بر مجرمیت آنان وجود دارد تعقیب نمایند احترام آزادیهای فردی و حفظ حقوق افراد نیز بنوبه خود لازم می دارد که همین جامعه در مقام جبران اشتباه و ترمیم خسارات مادی و معنوی این قبیل متهمین طبق شرایطی اقدام نماید. به هر حال بحث پیرامون جبران خسارات متهمینی که بیجهت بازداشت شده اند از حوصله این مقاله خارج است و در صورت امکان آن را جداگانه و بطور تفصیل مطالعه خواهیم نمود.

نتیجه آنکه اگر قانونگذار، قصد مبارزه با گرفتاریهای ناشی از بازداشت متهمین را دارد بایستی به مسائل چهارگانه فوق الذکر یکی پس از دیگری توجه نماید. اما درین آنها آنچه که بنظر نگارنده بیشتر واجد اهمیت است مسئله تعلیق توقیف احتیاطی است که بطوریکه خوانندگان ارجمند توجه فرمودند نخستین پیشنهاد ما را تشکیل می داد. قانونگذار جدید فرانسه و بلژیک توجه خاصی به این موضوع مبذول داشته و بمنظور جلوگیری از زندانی شدن

متهمین، نهادی جدید بنام «کنترل قضائی» در آئین دادرسی کیفری فرانسه ایجاد گردیده که ذیلاً و بنحو اختصار خصوصیات آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کنترل قضائی

در قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ اصطلاح «توقیف احتیاطی» و «آزادی موقت» از قاموس جزائیی حذف و بجای آنها «توقیف موقت» و «آزادی» در همه جا بکار برده شد. علت این تغییر اصطلاح اینست که چون اصل بر برائت متهم است نیاستی از آزادی بطور موقت سخن گفت چه، آنچه که بایستی محدود و موقت باشد توقیف است نه آزادی. لیکن از آنجائیکه در برخی از موارد آزاد ساختن متهم به اجرای عدالت و انجام تحقیقات لطمه میزند قانونگذار جدید فرانسه بازپرس را مکلف کرده که بجای توقیف، به صدور یک یا چند قرار از ۱۲ قرار که بنام «کنترل قضائی» موسوم شده‌اند مبادرت ورزد. قرارهای مذکور اگر تا حدی به آزادی متهم لطمه میزند ولی زیان آنها از توقیف احتیاطی کمتر بوده‌توسل به آنها من حیث المجموع به حال متهم مفیدتر از توقیف احتیاطی است.

بازپرس وقتی میتواند قرار بازداشت متهم را صادر نماید که قرارهای «کنترل قضائی» بمنظور جلوگیری از فرار متهم یا تلافی با شهود و معاونین جرم و سایر اشخاص و یا همچون اقدام تأمینی کافی بنظر نرسند. علل این عدم کفایت بایستی در «قراری» که به قرار توقیف شمیمه میگردد مشروحاً ذکر گردد تا «عبثت اتهامی» بتواند کنترل لازم اعمال نماید. در عرصورت طبق ماده ۱۳۸ جدید ق. ا. د. ک. فرانسه بازپرس میتواند در صورتی که مجازات پیش‌بینی شده برای اتهام وارده، حبس تأدیبی یا مجازاتی شدیدتر باشد به قرارهای «کنترل قضائی» متوسل شود. لذا در امور خلافی صدور قرار کنترل قضائی ممکن نیست. این قرارها را می‌توان بشرح ذیل تقسیم کرد:

الف - قرارهایی که بمنظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا اجراء آثار جرم یا تلافی با شرکاء و معاونین یا شهود قضیه ممکن است صادر گردند که به نوبه خود به دو دست زیر تقسیم میگردند:

۱- تعهد بانجام عمل

اول - بازپرس میتواند متهم را مجبور نماید که در تبا خود را به دفتر بازپرس شهرداری، پلیس - یا ژاندارمری معرفی نماید. این همان تعهدی است که ماده ۱۱۶ ق. ا. د. ک. آلمان غربی به آن اشعار دارد و بموجب آن بازپرس میتواند متهم را متعهد کند که در تبا خود را به دفتر بازپرسی معرفی نماید.

دوم - در صورتی که تعهد مذکور کافی به نظر نرسد طبق بند ۷ ماده ۱۳۸ مذکور بازپرس میتواند از متهم بخواهد که کارت شناسائی و بخصوص پاسپورت خود را به دفتر بازپرسی یا

بهاداره پلیس و بازرسان دمری سپرده و در عوض کارتی عکس دار از طرف مقامات مذکور بمنظور اثبات هویت دریافت دارد .

وثیقه

سوم - قرار اخذ وثیقه یکی از قرارها نیست که صدور آن بمنظور جلوگیری از توقیف متهم در حقوق فرانسه از زمان کدناپلئون بیحد امکان پذیر بوده . لیکن از آنجائیکه در این کشور افکار عمومی با آزادی متهم بقید وثیقه مخالف، و معتقد است که نیایستی متهم ثروتمند بتواند آزادی ای را که سایر متهمین قادر به خریداری آن نیستند ابتیاع نماید دادگاهها از توسل به قرار مذکور همیشه خودداری نموده و جز در موارد استثنائی قرار اخذ وثیقه صادر نمی کردند .

قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ باقراردادن وثیقه در زمره قرارهای «کنترل قضائی» تنبیراتی کلی در اساس آن بعمل آورده است . بند ۱ ماده ۱۳۸ ق.ا.د.ک مقرر میدارد که بازپرس در حین صدور قرار وثیقه باید از یکطرف میزان درآمد متهم را ملحوظ دارد و از سوی دیگر متهم همیشه ملزم نیست که تمام وثیقه را نقداً بپردازد بلکه بازپرس میتواند با تقسیم آن تسهیلاتی بیشتر برای وی قائل گردد . علت اینکه قرار اخذ وثیقه جزء قرارهای کنترل قضائی آورده شده اینست که نظر قانونگذار بر این بوده که وثیقه بخلاف سابق - وسیله آزاد شدن متهمینی که قبلاً زندانی شده اند نیایستی باشد بلکه این قرار مانند سایر قرارهای کنترل قضائی باید از همان ابتدا از زندانی شدن متهمین تا حد امکان جلوگیری نماید .

طبق ماده ۱۴۲ پس از تعیین مبلغ وثیقه بازپرس موظف است آنرا به دو قسمت تقسیم نماید . قسمت اول وثیقه، حضور متهم در بازپرسی و اجرای مجازات و رعایت سایر قرارهای کنترل را تضمین میکند . قسمت دوم به ترتیب - صرف پرداخت هزینه و جبران خسارات مدعی خصوصی و همچنین پرداخت نفقه در صورتی که شخص ، متهم به ترک انفاق شده باشد - میگردد .
۲- ترك فعل - طبق بند ۱ ماده ۱۲۹ ق.ا.د.ک. افسران بازپرس می توانند قرار التزام عدم خروج از حوزه قضائی با قبول شرف صادر نمایند . این قرار که مفیدترین قرار بفع متهم است در بند ۱ ماده ۱۳۸ قانون فرانسه به آن اشاره گردیده با این تفاوت که در قانون جدید فرانسه تنها صحبت از «تعهد» متهم میشود . نه «تعهد به قول شرف» .

بهر حال بازپرس موظف است که پاسگاه ژاندارمری یا اداره پلیس را مطلع نماید تا آنها بتوانند در صورت تخلف متهم بازپرس را در جریان بگذارند .

هر گاه تعهد متهم بشرحی که گذشت به نظر بازپرس کافی نباشد وی میتواند به تشدید تأمین بشرح ذیل متوسل شود : طبق بند ۵ و ۶ ماده ۱۴۲ قبلی ا.د.ک. فرانسه مصوب ۱۹۵۸ در مورد متهمینی که ملیت خارجی را دارا بوده یا جزمی علیه امنیت دولت مرتکب شده بودند بازپرس می توانست آنرا مجبور به اقامت در محل معین نماید . مقنن جدید فرانسه در بند ۲

ماده ۱۳۸ مقرر داشته که چنین تصمیمی می تواند نسبت به هر متهمی اتخاذ گردد . نتیجه آنکه بازپرس می تواند مثلاً متهم را مجبور کند که جز با اجازهٔ او از شهر - محله و یا خانه خود خارج نگردد . و بخصوص چون هدف اصلی از تأسیس «کنترل قضائی» کمک به متهم و جلوگیری از زیاده کار شدن او است - بازپرس می تواند متهم را متعهد سازد که از خانه خود جز برای رفتن به محل کار خارج نشود .

دوقرار «کنترل قضائی» فوق که تحت عنوان «ترك فعل» از آن صحبت کردیم بیشتر به منظور جلوگیری از فرار متهم توصیه گردیده اند . اما قرارهای دیگری نیز وجود دارند ، که هدف آنها اجرای عدالت به نحو بهتر است . برای رسیدن به این مقصود بازپرس می تواند از متهم بخواهد که از ملاقات برخی اشخاص یا از رفتن به بعضی جاها خودداری کند . در حقیقت طبق بند ۲ و ۵ ماده ۵۹ R قاضی محکمه وقتی مجازات مجرم را معلق می دارد می تواند او را متعهد سازد که از مراد او بابت برخی اشخاص یا رفتن به بعضی امکنه از قبیل قمارخانه ها یا مشروب فروشها - خودداری کند . مقنن جدید مقررات ماده فوق الذکر را که نسبت به مجرمان و در صورت مجازات آنها قابل اعمال است نسبت به متهمین نیز گسترش داده و بموجب بند ۳ و ۹ ماده ۱۳۸ بازپرس میتواند از متهم بخواهد که از یکسو از رفتن به برخی امکنه خودداری کند و یا فقط حق تردد در برخی از جاها را داشته باشد و از سوی دیگر از رفتن و حتی قبول ملاقات بعضی افراد خودداری نماید . بطوریکه ملاحظه می شود این دوقرار که در بند ۳ و ۹ از آن سخن رفته به منظور جلوگیری از تبانی با متهمین دیگر یا شهود قضیه می تواند صادر گردند .

ب - قرارهای کنترل قضائی که جنبهٔ اقدام تامینی دارند

بر خلاف آنچه که اثباتیون در نظر داشتند در سیاست کیفری مدرن که ملهم از مکاتب دفاع اجتماعی است هدف اقدامات تامینی طرد مجرمین از جامعه نبوده بلکه اصلاح آنان مد نظر است^۱ .

نکته قابل توجه اینست که از یکطرف در حقوق فرانسه اکثر اقدامات تأمینی تحت عنوان مجازات تکمیلی پیش بینی شده و استثنائاً قانونگذار صحبت از اقدام تامینی مینماید . و از طرف دیگر توسل به این نوع اقدامات در اختیار محکمه قرار داده شده است . از این قبیل اند تبعید تکرار کنندگان جرم^۲ یا ضبط پروانهٔ رانندگی .

1 - cf G. Stefani C. Levasseur, «droit Pérel général» Dalloz 1966 p. 291

۲ - از تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ تبعید در کشور فرانسه تبدیل به «قیمومیت کیفری» گردیده است . برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه شود به «قیمومیت کیفری در فرانسه» نوشته دکتر تاج زمان دانش . نشریه حقوق و علوم سیاسی شماره دهم و یازدهم ۱۳۵۱

بازپرس در حقوق فرانسه در موارد استثنائی میتواندست به اقدامات تأمینی متوسل گردد. مثلاً در مورد معنادرین بمواد مخدر بموجب قانون ۱۵ اکتبر ۱۹۵۳ قاضی تحقیق میتواند قرار بستری شدن این قبیل اشخاص را در مؤسسات مخصوص به منظور ترك اعتیاد صادر نماید.

اما باستثنای این موارد توسل به اقدامات تأمینی بطوریکه قبلاً اشاره شد بکلی از حدود صلاحیت بازپرس قبل از قانون ۱۹۷۰ خارج بوده است.

قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ در این خصوص تحولی عظیم در آئین دادرسی کیفری فرانسه بوجود آورده است. چهارمروزه در این کشور کار بازپرس فقط جمع آوری دلائل له و علیه متهم نبوده قاضی تحقیق از این پس نقش یک جرم شناس را ایفاء نموده و یکی از عوامل مهم ومؤثر اجرای سیاست کیفری بشمار می آید.^۱

مثلاً اومیتواند در حین بازپرسی بجای صدور قرار توقیف متهم وی را متعهد سازد که از رانندگی خودداری نموده و در صورت لزوم پروانه رانندگی خود را به دفتر بازپرسی یا سایر مقامات صلاحیتدار تحویل دهد، (بند ۸ ماده ۱۳۸) اگر چه اتهام ناشی از جرائم مربوطه به رانندگی نباشد. نکته قابل توجه اینکه وقتی بازپرس قرار ضبط پروانه رانندگی متهمی را صادر نمود این مدت جزء مدتی که ممکن است بعداً بموجب حکم دادگاه پروانه رانندگی توقیف گردد محسوب نخواهد گردید.

مورد دیگری که بازپرس میتواند به اقدام تأمینی بجای بازداشت متهم متوسل گردد عبارتست از اینکه اتهام ناشی وی با بمناسبت اشتغال بشغل یا حرفه ای معین باشد. بنابراین هرگاه مثلاً پزشکی بعلت طبابت متهم بارتکاب جرمی گردد بازپرس میتواند بعنوان اقدام تأمینی وی را برای مدتی معین از طبابت ممنوع نماید.

در این صورت بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار کنترل قضائی مربوطه مراتب را با اطلاع کارفرما یا مقامی که متهم از نظر سلسله مراتب با آنها بستگی دارد و یا با اطلاع کانون و اتحادیه مربوطه برساند.

ج - کنترل قضائی وسیله کمک و حمایت از متهم

طبق بند ۶ ماده ۱۳۸ بازپرس میتواند از متهم بخواهد که فعالیتهای خود را در زمینه حرفه و شغلی که به آن اشتغال دارد و یا تعلیم و تربیتی که بنظر بازپرس لازم تشخیص داده شود تحت کنترل شخص و یا مقام رسمی و یا مؤسسات معین قرار دهد.

همین طور طبق بند ۱۰ ماده ۱۳۸ بازپرس میتواند متهم را وادار کند که خود را برای انجام آزمایشهای معین پزشکی یا روانپزشکی وبخصوص برای ترك اعتیاد در اختیار متخصصین

1- Pradel, J, Rapport présenté aux XII ème Journées Franco - Belgeo - Luxembourgeoises, Poitiers, Dec 1970. P. 3

و پزشکان قرار دهد. در این خصوص بیمار حق خواهد داشت که پزشک معالج را آزادانه انتخاب نماید.

بنابراینکه ملاحظه میگردد تصمیمات فوق به هیچوجه بمنظور جلوگیری از فرار متهم یا تبانی بعمل نیامده بلکه صرفاً هدف از واگذاری امکانات فوق به بازپرس که به متهم بمنظور جلوگیری از تکرار جرم و سقوط مجدد او در ورطه مجرمیت است.

مکانیسم کنترل قضائی در طول مدت بازپرسی

همانطوریکه قبلاً نیز اشاره گردید بازپرس در صورت قرارهای کنترل قضائی که در قانون جدید از آنها به «اردنانس» تعبیر میگردد آزادی کامل داشته و لدی الاقتضاء میتواند در یک اردنانس یک یا چند قرار کنترل قضائی را صریحاً نام برده متهم را ملزم به رعایت همه آنها گرداند. مع الوصف لازم نیست که بازپرس علت یا علل محدودیتهائی را که برای متهم قائل میشود موجهاً بیان نماید. در «اردنانس» مذکور قاضی فقط اعمالی را که متهم ملزم یا انجام یا ترک آن است مشخص کرده و مقاماتی را که مسئول کنترل اجرای قرار هستند معین مینماید و سپس یک نسخه از آن را به متهم ابلاغ مینماید تا نامبرده متوجه عواقب وخیم عدم رعایت مقررات مندرجه در قرار باشد.

نکته جالب توجه دیگر اینکه بازپرس به هیچوجه ملزم نیست که برای توسل به کنترل قضائی نظر دادستان را استفسار نماید.

تبدیل قرارهای کنترل قضائی

بازپرس می تواند نه تنها پس از انجام نخستین استنطاق از متهم بلکه در تمام مرحله بازپرسی متهم را تحت کنترل قضائی قرار دهد. از سوی دیگر دست بازپرس در تغییر و تبدیل قرارهای کنترل قضائی کاملاً باز است. به عبارت دیگر وی میتواند در صورت لزوم قرار یا قرارهای صادره را لغو نموده و یا تبدیل نماید. (ماده ۱۳۹). قانون فقط یک محدودیت برای قاضی تحقیق در نظر گرفته و آن اینست که وی نمیتواند در صورتیکه قبلاً چندین تعهد برای متهم ایجاد کرده آنها را یکی پس از دیگری لغو نماید بنحویکه منجر به از بین رفتن کامل کنترل قضائی گردد چه در این صورت بازپرس مکلف است قصد خود را به اطلاع دادستان رسانیده و موافقت او را جلب نماید.

در مواردیکه بازپرس فقط قصد جایگزین کردن قرار کنترل قضائی را دارد احتیاجی به جلب نظر دادستان ندارد ولی در این صورت بهتر است نظر اشخاصی که مسئول کنترل قضائی هستند و بخصوص وکیل متهم را جلب نماید. چه همانطوریکه پروفیسور مرل حقوقدان مشهور فرانسوی یادآور شده در حقوق جزای مدرن تعارض بین دادسرا و وکیل و دادگاه باستی از بی

رفته این اشخاص در تعیین بهترین دارو برای مداوای مجرم یا متهم همکاری نماید.

ضمانت اجرای عدم رعایت کنترل قضائی

هرگاه متهم از رعایت مقررات کنترل قضائی سر باز زند بازپرس میتواند بدون توجه بمیزان مجازات اتهام وارده فوراً اقدام به توقیف او نماید. قرار توقیفی که بدین ترتیب صادر میشود لازم نیست که موجه باشد بلکه کفایت که بازپرس تعهدی را که متهم از انجام آن سر باز زده در قرار توقیف قید نماید.

در لایحه قانونی تقدیمی به مجلس پیشنهاد شده بود که متهمی که مقررات کنترل قضائی را رعایت نکرده ممکن است علاوه بر توقیف - به ۱۵ روز تا ۶ ماه و ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ فرانک جریمه نقدی توسط بازپرس محکوم گردد (ماده ۱-۲۴۸). لیکن در تصویب نهائی بعلمت آنکه صدور حکم محکومیت فقط بایستی توسط دادگاهها صادر گردد نه بازپرس مجازاتهای مذکور مورد تأیید قانونگذار قرار نگرفت.

بازرسی قرارهای کنترل قضائی

متهم میتواند بطور نامحدود از بازپرس رفع قرار کنترل قضائی را تقاضا نماید. بازپرس مکلف است ظرف ۵ روز از تاریخ دریافت تقاضا اقدام نماید. در صورت تعلل وی متهم میتواند به «هیئت اتهامی»^۱ دادگاه استان که از قضات مجرب تری تشکیل شده و حق تجدید نظر در قرارهای بازپرس را دارد شکایت نماید. هیئت اتهامی نیز بایستی ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه، تصمیم بر رفع یا ابقاء کنترل قضائی بگیرد. ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت مذکور لغو قرار کنترل قضائی است. و نیز در مورد بکه بازپرس قرار رد تقاضای متهم را صادر نماید وی میتواند ظرف ۳ روز به «هیئت اتهامی» شکایت نماید.

کنترل قضائی پس از صدور قرار مجرمیت

اگر کنترل قضائی در مرحله بازپرسی - خواه به تصمیم بازپرس - و خواه بر اثر زندانی شدن متهم رفع نگردد در امور جنحه و جنائی پس از صدور قرار مجرمیت بشرح ذیل رفتار میشود:

۱- در امور جنحه. طبق بند ۲ از ماده ۱۷۹ جدید قانون ا. د. ک. فرانسه صدور قرار مجرمیت موجب پایان یافتن کنترل قضائی است. مع الوصف در صورت لزوم بازپرس میتواند نه تنها قرار کنترل قضائی قبلی را تمدید نماید بلکه برای اولین بار و در صورتیکه متهم در حین بازپرسی تحت هیچیک از قرارهای کنترل قضائی قرار نگرفته باشد وی را ملزم بر رعایت يك یا چند قرار از قرارهای که قبلا شرح آن گذشت بنماید.

بازپرس فقط مکلف است که در این صورت «اردن انسی» جداگانه صادر نموده علل لزوم تمديد يا صدور قرار كنترل قضائى جديد را در آن موجهاً تفصيل دهد .
قرارى كه در اين مرحله صادره ميگردد تا روز محاكمه معتبر بوده احتياجى به تمديد مجدد آن نخواهد بود.

۲- در امور جنائى : بطوريكه قبلا اشاره شد بازپرس نه تنها در امور جنحه بلكه در امور جنائى نيز ميتواند بجاي توقيف متهم بصدور قرار كنترل قضائى مبادرت ورزد. تنها تفاوت بين اين دو در اين است كه قرار كنترل قضائى كه در امور جنائى صادر ميگردد برخلاف آنچه كه در امور جنحه مشاهده گرديد بعلت صدور قرار مجرميت ارزش خود را از دست نداده و تا روز ماقبل تشكيل جلسه ديوانعالى جنائى معتبر خواهد بود. چه طبق ماده ۱-۲۱۵ قانون ا. د.ك. فرانسه متهم بجنائيتى كه در حين بازپرسى قرار توقيف او صادر نگريديده و در آزادى بسر ميبرد و يا يكى از قرارهاى كنترل قضائى درباره او صادر گرديده حداكثر يکروز قبل از تشكيل جلسه دادگاه بايستى خود را براى زندانى شدن معرفى نمايد .

بجئى نيست كه با وجود توقيف متهم كه بمراتب شديدتر از كنترل قضائى است نيازى بااعتبار قرارهاى مذكور نبوده اين قرارها بمحض زندانى شدن متهم ارزش خود را از دست خواهند داد .

نتيجه ۴

ابتكارات قانون ۱۷ ژوئيه ۱۹۷۰ فرانسه از هر جهت شايد توجه است، و بسيار بجا خواهد بود كه مقررات آن الهام بخش مقننين ساير كشورها در وضع و اصلاح قوانين و مقررات مربوط به توقيف احتياطى واقع گردد .

بطوريكه مشاهده گرديد، در اين كشور توقيف احتياطى اجبارى بلكلى از بين رفته و نه تنها بازپرس در هيچ موردى مجبور به صدور قرار توقيف نيست بلكه بمنظور رعايت احترام اصل برائت قانونگذار مقرر داشته كه اصل بر آزادى متهم بوده و بوي بايستى تا روز محاكمه از آزادى برخوردار باشد .

در موارديكه آزادى مطلق متهم مانع اجراى صحيح عدالت باشد و بالاىزم تشخيص گردد كه درباره وى اقدام تايمينى بعمل آيد قانونگذار مقرر داشته كه بازپرس موظف است در مرحله

۱- در برخى از كشورها مثل بلژيك در صورت تيكه مجازات جرم اتهامى ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه يا بيشتتر باشد، طبق قانون ۲۰ آوريل ۱۸۷۴ توقيف متهم اجبارى است. در قانون ايران نوز در چند مورد از جمله بموجب بند ج قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۲۰ ۱۳۴۰ « در باره كسانيكه به اتهام ارتكاب جرح يا قتل بوسيله چاقو يا هر نوع اسلحه ديگر مورد تعقيب قرار گيرند چنانچه دلائل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نمايد قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حكم ادامه خواهد داشت.»

اول به‌صدور يك ياچند قرار از قرارهای «کنترل قضائی»، مبادرت ورزد. در صورتیکه این وسیله نیز برای نیل به هدفهای فوق‌الذکر کافی نباشد آنوقت بازپرس حق خواهد داشت که به‌صدور قرار بازداشت متوسل گردد. منتها در این مورد نیز قانون بمنظور حمایت از متهم مقرر داشته که بازپرس بضمیمه قرار توقیف بایستی «اردن انسی» صادر نماید که در آن موجها علل عدم تکاپوی قرارهای «کنترل قضائی» قید گردیده تا متهم بتواند از آن نزد «هیئت اتهامی» شکایت نماید.

خلاصه آنکه هم قانونگذار در فرمی که به این مناسبت در آئین در آئین دادرسی کیفری بوجود آورده مصروف به آن بوده که از یکسو از منافع متهم و بخصوص آزادی او دفاع گردد و از سوی دیگر زندانهای فرانسه را از وجود متهمینی که منتظر فرارسیدن روز محاکمه خود هستند تا حد ممکن تخلیه نماید.

قبل از قانون جدید، سالیانه قرار توقیف بیش از ۷۰ هزار تن متهم صادر میگردد و در سال ۱۹۶۸ جمعیت کل زندانهای فرانسه در حدود ۳۴۰۸۴ تن بوده که ۱۳۲۲۳ نفر از آنها یعنی در حدود ۰/۳۸ در حالت توقیف احتیاطی بسر میبرده‌اند. قانون جدید با ایجاد کنترل قضائی سعی در کاستن درصد متهمین کرده است. آینده نشان خواهد داد که تا چه اندازه این ابتکار قرین موفقیت تواند بود.

مهمترین منابع و ماخذ

الف - به زبان انگلیسی

- Napley, D. A Guide to law & Practice the Criminal Justice Acte 1967. P. 47.

ب - به زبان فرانسه

- 1- Ancel, M. La défense sociale nouvelle. 2° édition, paris. 1966.
 - 2- Bloch. Le contrôle Judiciaire. Gaz pal, 13-17 Nov. 1970.
 - 1- Couvrat, Le contrôle Iudiciaire, Rev. de droit pénal et de criminologie. 1970-71, P. 377 et Ss.
 - 4- Doucet. La détention préventive mesure exceptionnelle? Gaz Pal, 1966. Doct. P. 130 .
 - 5- Esmein. Histoire de la procédure criminelle en France. Paris, 1882 .
 - 6- Essaid. La présomption d'innocence. Thèse. Paris, 1969,
 - 7- Garçon. La protection de la libarté individuelle durant l'instruction. Rev. Int. de droit penal. 1953. P. 165.
 - 8- Lévasseur. Vers une procédure d'instruction contradict oire Rev. de. Sci Crim. 1959. P. 291 et Ss.
- Un précédent inquiétant pour l'avenir de la probation, paris, 1969.

- 9_ Marie. Le nouveau texte de la loi soviétique sur la détention préventive. Rev. Sci. Crim. 1970. pp. 461-462.
- 10_Merle. L'inculpation. Mélanges Hugueney, p. 111.
- 11_Meulchroeke. Le contrôle judiciaire et la détention provisoire XII ème Journée Franco - Belgeo - Luxebmourgeoises, Rapport P. 105.
- 12_Pinatel. L'influence des institutions de procès pénal sur la formation de la personnalité criminelle. Méanga Hugueney paris, 1964, p. 6.
- 13_Robert. Premières réflexions sur la détention provisoire instituée par le loi du 17 Juillet 1979. J. C. P. Doct. 2370 .
- 14_Vouin. Le cas du docteur Colin. Rev. Sci. Crim. 1966. P. 822. La détention provisoise. Dalloz, 1970. 1970. P. 194.